

پانل سوم:

دکتر مرتضی نجابت خواه [مدیر پانل] (عضوی هیئت علمی دانشگاه مازندران)
دکتر مهدی هداوند (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
دکتر کوروش استوارسنگری (عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد شیراز)
آقای خضرائی (قاضی دیوان عدالت اداری)

×××

آقای دکتر مهدی هداوند - آسیب‌شناسی دیوان عدالت اداری در مراحل سه‌گانه تاسیس، تثبیت و توسعه

سلام خدمت اساتید، قضات و حضار گرامی.

تحولات دیوان را می‌توان در سه مرحله بررسی نمود: ۱- مرحله تاسیس ۲- مرحله تثبیت ۳- مرحله توسعه.

دوره تاسیس مربوط به سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ می‌شود که نهاد دیوان عدالت اداری تاسیس و ساختمان‌هایی برای آن اختصاص داده شد.

دوره تثبیت، دوره‌ای است که جایگاه دیوان عدالت اداری در میان دستگاه‌های اداری پذیرفته شد. به این معنا که دستگاه‌های اداری متوجه حضور

نهادی شدند که نظارت قضایی را بر اعمال آن‌ها صورت می‌دهد.

اما به نظر بنده، دوره تثبیت طولانی شده و هنوز وارد دوره توسعه نشده‌ایم. البته منظور از توسعه، توسعه کیفی دیوان می‌باشد.

برای ورود دیوان به دوره توسعه نکاتی را باید مدنظر داشت؛ اینکه چه چیز موجب شد با وجود تلاش‌هایی که در سال ۱۳۹۲ صورت گرفت و

قانون جدید نیز به تصویب رسید دوران توسعه به تاخیر بیفتد؟ به نظر می‌رسد **مهمترین مانع پیش روی دیوان عدالت اداری**، کثرت

پرونده‌هایی است که در دیوان مطرح می‌شود که در نتیجه، این پرونده‌ها باعث می‌شوند هیچ فرصتی برای اصلاح و بهبود نظام عدالت اداری باقی نماند.

نهاد متناظر دیوان عدالت اداری در انگلستان، سالانه حدود ۶۰۰ پرونده رسیدگی می‌کند در حالی که دیوان عدالت اداری، سالانه در

حدود ۱۶۰/۰۰۰ پرونده را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. مطابق این آمار، در حدود ۴۰/۰۰۰ مورد مربوط به دعاوی استخدامی است و همانطور که دکتر

مولاییگی نیز اشاره فرمودند چیزی در حدود ۵۰ درصد مجموع این پرونده‌ها مربوط به آرای قطعی مراجع شبه قضایی است. اگر برای این معضل راه

حلی پیدا نشود ممکن است تهدیدی به وجود آید که باعث حدوث عقب‌گرد در بعضی از حوزه‌های دیوان شود. بنابراین باید برای این مساله فکری

کرد.

برای کاهش حجم پرونده‌ها اقداماتی صورت گرفته است. برخی از این اقدامات که در دیوان انجام شده و در حال حاضر نیز عملاً در حال اجرا

است، در واقع **موانعی برای حق دادخواهی** ایجاد می‌کند.

بنده مجموع این اقدامات را فهرست‌بندی کرده‌ام. این اقدامات نه تنها مفید نبوده بلکه عملاً موجب سلب حق دادخواهی در دیوان نیز شده است:

۱- توافقاتی که برخی دستگاه‌های دولتی با دیوان عدالت اداری می‌کنند و بر طبق این توافقات چنانچه افرادی از این دستگاه‌ها شکایتی

داشته‌باشند دادخواست آنها در دیوان ثبت نمی‌شود. این امر قطعاً برخلاف اصل ۱۷۳ قانون اساسی بوده و سلب حق دادخواهی (به عنوان یکی از حقوق

شناسایی شده در قانون اساسی) به شمار می‌آید. حتی از آنجا که این موضوع در قانون مجازات اسلامی نیز پیش‌بینی شده، واجد عنوان مجرمانه نیز

می‌باشد.

۲- نکته‌ی بعدی مربوط به کاهش قلمرو صلاحیت دیوان است؛ گاهی اوقات تفسیرهایی که از هیات عمومی در آرای وحدت رویه ارائه می‌شود،

تفاسیری است که از لحاظ حقوقی قابل توجیه نیست. اما با بررسی دقیق علل صدور آرای این چنینی مشخص می‌شود که نگرانی افزایش حجم پرونده‌ها

باعث صدور چنین آرای شده است. مثلاً در یکی از آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری چنین آمده: «دعاوی مربوط به قراردادهای اداری، توافقی

است پس قابل رسیدگی در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد». سوال این است که آیا دیوان عدالت اداری کاری غیر از رسیدگی توافقی دارد؟!

۳- مورد دیگر مربوط به حذف نهاد تجدیدنظرخواهی بود که خوشبختانه در قانون جدید، دوباره احیا شده است.

۴- مورد دیگر، اصطلاحی است که در دیوان عدالت اداری رایج شده و آن «تعامل با دستگاه‌ها» است. برای مثال در موردی مشاهده شده که در

یکی از هیات‌های تخصصی دیوان، سازمانی که بخشنامه آن باید ابطال می‌شد و همه اعضای کمیسیون معتقد بودند که بخشنامه مورد نظر غیرقانونی

است، به سازمان مورد نظر راهنمایی کردند که این بخشنامه را لغو کند. سازمان مورد نظر نیز طی یک نامه در پاراگراف اول، بخشنامه را لغو و در

پاراگراف دوم، همان بخشنامه را دوباره تصویب کرده است. این اقدام موجب وهن یک نظام حقوقی است.

- ۵- موضوع بعدی هیات‌های تخصصی هستند؛ این هیات‌ها در ابتدای تاسیستان امیدوار کننده بودند اما در حال حاضر جزء موانع حق دادخواهی به حساب می‌آیند. یعنی برای مثال اگر این هیات تایید ننماید که بخشنامه‌ای قابلیت ابطال دارد، هرگز آن بخشنامه در هیات عمومی مطرح نمی‌شود.
- ۶- مورد دیگر مربوط به قرار رد دادخواست می‌باشد. به کرات مشاهده شده است که برخی از قضات دیوان به دلایل عجیبی (مثلاً ایراد در کلمه، تاریخ یا آدرس) دادخواستی را رد می‌کنند که این امر نیز به منظور کاهش حجم پرونده‌ها صورت می‌گیرد. به نظر بنده قرار رد دادخواست باید از دادرسی اداری حذف شود. چنانچه قاضی ایرادی ببیند خود باید به هر ترتیب آن را برطرف کند.
- ۷- مورد دیگر مربوط به قوانین برخی از مراجع اختصاصی است که حق اعتراض به آرای این مراجع در دیوان عدالت اداری، مطابق قانون خاص همان مرجع اختصاصی از محکوم علیه سلب می‌شود.
- اما به نظر بنده، اقداماتی را که می‌توان در جهت کاهش حجم پرونده‌های ورودی دیوان بدون تضییع حق دادخواهی مردم انجام داد، به طور خلاصه عبارتند از: الف) کاهش نقض در مبداء؛ برای مثال در انگلستان در طی مدتی برای دادگاه‌های اداری (queen bench) چنین وضعیتی اتفاقی افتاد. در آنجا وزارت دادگستری کتابچه‌ای تحت عنوان «judge over your shoulder» منتشر نموده که در آن، موارد نقض تصمیمات اداری توضیح داده شده است و این کتابچه را در اختیار دستگاه‌های اداری قرار داده است تا بدین ترتیب میزان صدور آرای قابل نقض در مراجع بالاتر کاهش یابد؛ در حالی که ما در ایران هیچگاه شاهد چنین اقداماتی نبوده‌ایم؛ لذا بهتر است چنین اقداماتی در راستای کاهش حجم پرونده‌های ورودی دیوان در ایران نیز صورت گیرد. ب) توسعه روش‌های بازنگری در درون دستگاه‌های اداری. ج) توسعه دادرسی منصفانه و ایجاد دادرسی در دادگاه‌های اختصاصی اداری؛ برخی از اساتید و قضات محترم در پنل‌های قبلی فرمودند که چون در مراجع شبه قضایی، دو مرحله رسیدگی صورت می‌گیرد، لذا بهتر است رسیدگی دیوان به این گونه دعاوی صرفاً در یک مرحله باشد نه اینکه در دو مرحله قابلیت رسیدگی در دیوان را داشته باشند. این نظر به عقیده بنده قابل مناقشه است، زیرا اساساً در مراجع اختصاصی اداری فعلی، عملی به عنوان «رسیدگی اداری» صورت نمی‌گیرد. آن صورت جلسه‌ای را که یک نفر از اعضا (که همان مقام اداری است) تنظیم می‌کند، نمی‌توان رای به حساب آورد و کار آنها را «رسیدگی» دانست. البته اگر آیین دادرسی منطبق بر اصول دادرسی منصفانه بر دادگاه‌های اختصاصی اداری حاکم باشد، به نحوی که عنوان «رسیدگی دو مرحله‌ای» در مورد این دادگاه‌ها صدق کند، در این صورت می‌توان قائل به این بود که رسیدگی به این دعاوی در دیوان عدالت اداری صرفاً در یک مرحله به عمل آید. د) ایجاد بازوی مشورتی در دیوان عدالت اداری؛ چنین نهادی تحت عنوان «شورای مشورتی» در دیوان فعالیت می‌کند ولی غیر رسمی است و به نظر من چنین نهادی باید رسمیت قانونی پیدا کند. ه) تقویت آرای وحدت رویه در موارد مشابه. و) ساده کردن آیین دادرسی در دیوان عدالت اداری؛ همانطور که آقای دکتر شریعت باقری نیز اشاره فرمودند، ما نیازمند یک قانون آیین دادرسی اداری هستیم؛ که شامل آیین دادرسی عام در دیوان عدالت اداری و آیین دادرسی اداری اختصاصی در مراجع شبه قضایی باشد.
- مجموع عرایض بنده این است که دیوان عدالت برای اینکه بتواند در آستانه ورود به دوران توسعه کیفی خود قرار گیرد در درجه اول باید مساله حجم پرونده‌های ورودی خود را حل کند و در اولویت بعدی با تصویب یک قانون آیین دادرسی اداری جامع، مجموعه‌ای ایرادات را برطرف نماید. خیلی ممنون از همراهی شما عزیزان.

آقای دکتر استوار سنگری - تعدد آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری در خصوص یک موضوع

با سلام و احترام خدمت حضار گرامی. بحثی که اینجانب قصد مطرح کردن آن را دارم در خصوص تعدد آرای وحدت رویه در خصوص یک موضوع است. اساساً رای وحدت رویه زمانی صادر می‌شود که رویه‌های مختلفی در یک موضوع وجود دارد.

با صدور رای وحدت رویه، رویه‌های مختلف و ناصواب، اصلاح شده و در یک جهت قرار گرفته و در موضوعات مشابه می‌بایستی از آن رای تبعیت شود. اما بعضاً در دیوان عدالت اداری مشاهده شده است که در مواردی نسبت به یک موضوع، چندین رای وحدت رویه وجود دارد که این وضعیت، با علت غایی آرای وحدت رویه ناسازگار است. در اینجا ابتدائاً نمونه‌هایی از این دست آرا و موجبات صدور این آرا و پیشنهادهایی را که مفید به نظر می‌رسد بیان می‌کنیم.

در سال ۱۳۶۸ دیوان عدالت اداری رای را صادر کرد که به موجب آن **دعای دستگاه‌های دولتی** به هیچ وجه قابل طرح در دیوان نیست. پس از صدور این رای، بیش از ۲۲ رای وحدت رویه در این خصوص صادر شده که طی آنها هیات عمومی اظهار نظر کرده شکایت فلان دستگاه دولتی قابل طرح در دیوان نیست یا هست و الی آخر.

صدور چنین آرای نشان‌دهنده‌ی این است که «دستگاه دولتی» دقیقاً شامل چه نهادهایی میشود و معیار تشخیص آن چیست، هنوز برای قضات دیوان عدالت اداری روشن نشده است؛ در نتیجه اقناع کافی برای قضات صورت نگرفته تا آرای برخلاف رای وحدت اولیه، صادر نکنند. دومین حوزه‌ای که آرای وحدت رویه متعددی در این زمینه وجود دارد مربوط به **ماده ۲۷ قانون کار^۱** است. طبق این ماده کارفرما می‌تواند مطابق شرایطی در صورت وجود نظر مثبت شورای اسلامی کار، کارگر خود را اخراج کند. دیوان عدالت اداری در این مورد ۴ رای وحدت رویه صادر کرده است.

به نظر اینجانب صدور آرای متعدد وحدت رویه موجباتی دارد. یکی از دلایل می‌تواند عدم تناسب تعداد پرونده‌ها با تعداد شعب باشد. مطابق یکی از آمارها، سالانه در حدود ۲۰۰۰ پرونده به هر یک از شعب دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود. مسلماً با این حجم پرونده‌ها نمی‌توان رسیدگی دقیق و کامل را انتظار داشت.

از دیگر دلایل این امر می‌توان به معضل آمارگرایی اشاره کرد که در واقع یکی از معضلات قوه قضائیه نیز می‌باشد. قضات مکلفند که در پایان هر ماه تعداد حداقلی از پرونده‌ها را رسیدگی کنند. اگر هدف آمارگرایی باشد، کیفیت منتفی می‌شود.

دلیل دیگر را می‌توان فقدان نظام آموزشی متناسب با دیوان عدالت اداری دانست. قطعاً رسیدگی در دیوان بایستی رسیدگی تخصصی باشد. پیشنهادی که به نظر بنده می‌رسد، اولاً اینکه هیات عمومی دیوان باید متشکل از قضات شعبه تجدیدنظر دیوان باشد. ثانیاً همانطور که برخی از اساتید بزرگوار در پانل‌های قبلی بیان نمودند، مرحله تجدیدنظر برای آرای مراجع شبه قضایی باید حذف گردد. زیرا این پرونده‌ها قبل از طرح در دیوان عدالت اداری، حداقل دو بار در مراجع شبه قضایی مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند؛ لذا رسیدگی مجدد دیوان بلاوجه به نظر می‌رسد. پیشنهاد دیگر بنده، تربیت قضات ویژه دیوان عدالت اداری است که باعث تخصصی‌تر شدن رسیدگی‌ها و تقویت دیوان می‌شود.

آقای خضرائی - نگرشی به دو مسأله نظارت دیوان بر آراء مراجع شبه قضایی و خسارات ناشی از تصمیمات و اقدامات اداری

با عرض سلام و احترام خدمت حضار بزرگوار.

از جمله محاسنی که قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۸۵ داشت **یک مرحله‌ای بودن دادرسی** با تعدد قاضی بوده است. به نظر می‌رسد این موضوع موجبات دسترسی آسان افراد و شهروندان را در مطالبات قانونی خود به همراه داشته است. اما در قانون جدید سال ۱۳۹۲ سیستم دو مرحله‌ای رسیدگی پیش‌بینی شده و هرچند در ظاهر، سیستم دو مرحله‌ای با دادرسی عادلانه و منصفانه سازگاری بیشتری دارد، ولی با توجه به اینکه شکل رسیدگی دیوان به کیفیتی است که اکثریت موضوعاتی که در دیوان رسیدگی می‌شود قبلاً در مراجع شبه قضایی (یا به عبارتی مراجع اداری) رسیدگی شده است به نظر می‌رسد در این مرحله، دو مرحله‌ای بودن دادرسی در دیوان موجب تضییع حقوق شهروندان می‌گردد.

کمیسیون‌ها و هیئت‌هایی که در دستگاه اداری وجود دارد، شامل هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی، کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری، هیئت تشخیص مطالبات سازمان تامین اجتماعی، هیات‌های تشخیص و حل اختلاف کارگر و کارفرما و ... می‌شود.

هیات رسیدگی به تخلفات اداری یک رسیدگی ابتدایی و اداری را انجام می‌دهد و در تعاقب آن نیز دیوان عدالت اداری وارد رسیدگی می‌شود. به نظر می‌رسد این امور باید در دیوان به صورت یک مرحله‌ای رسیدگی شود.

^۱ ماده ۲۷ قانون کار: هرگاه کارگر در انجام وظایف محوله قصور ورزد و یا آئین‌نامه‌های انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض نماید کارفرما حق دارد در صورت اعلام نظر مثبت شورای اسلامی کار علاوه بر مطالبات و حقوق معوقه به نسبت هر سال سابقه کار معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر را به عنوان (حق سنوات) به وی پرداخته و قرارداد کار را فسخ نماید.

در واحدهایی که فاقد شورای اسلامی کار هستند نظر مثبت انجمن صنفی لازم است در هر مورد از موارد یاد شده اگر مسأله با توافق حل نشده به هیات تشخیص ارجاع و در صورت عدم حل اختلاف از طریق هیات حل اختلاف رسیدگی و اقدام خواهد شد. در مدت رسیدگی مراجع حل اختلاف، قرارداد کار به حال تعلیق در می‌آید.

تبصره ۱- کارگاه‌هایی که مشمول قانون شورای اسلامی کار نبوده و یا شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی در آن تشکیل نگردیده باشد یا فاقد نماینده کارگر باشند اعلام نظر مثبت هیات تشخیص (موضوع ماده ۱۵۸ این قانون) در فسخ قرارداد کار الزامی است.

تبصره ۲- موارد قصور و دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های انضباطی کارگاه‌ها به موجب مقرراتی است که با پیشنهاد شورای عالی کار به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی خواهد رسید.

اما اموری که مبتنی بر بند «الف» ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری (در خصوص اقدامات و تصمیمات واحدهای اداری نسبت به شهروندان یا کارکنان دولت) است، به نظر می‌رسد اقداماتی که دستگاه اداری نسبت به اشخاص تصمیم نگرفته است (و مرجع شکایت از این اقدامات ابتدائاً دیوان عدالت اداری است) این چنین موضوعاتی باید در دیوان عدالت اداری به صورت سیستم دو مرحله‌ای مورد رسیدگی قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت موضوعاتی که ناشی از تصمیمات مراجع شبه قضایی است باید به صورت یک مرحله‌ای در دیوان رسیدگی شوند و اموری که مراجع اداری نسبت به آن تصمیمی اتخاذ نکرده‌اند به صورت دو مرحله‌ای در دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گیرند.

از جمله موضوعات مهمی که به نظر می‌رسد پژوهشگران و دانشگاهیان کمتر به آن پرداختند، بحث مربوط به **خسارات ناشی از تصمیمات و اقدامات مقامات اداری** است. اینکه مقامات اداری نسبت به تصمیمات خود، در حق شهروندان، مرتکب قصور یا تقصیری شوند، موضوعی است که در بند «ب» از قسمت اول ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به آن اشاره شده است. حال اگر مقامات اداری تصمیماتی را اتخاذ نمایند که باعث ایراد خسارت گردد و این خسارت ناشی از تقصیر باشد، بر اساس قانون مسئولیت مدنی برای این افراد مسئولیت ایجاد می‌شود. یقیناً در موردی که رای وحدت رویه یا قانون وجود دارد، چنانچه دستگاه اداری وجهی را من غیرحق از شهروند مطالبه کند، چنین امری از مصادیق بارز تقصیر است، ولی متأسفانه علی‌رغم صراحتی که در بند ب ماده ۱۰ وجود دارد، نسبت به تقصیر این مقام اداری هیچ گونه تصمیمی در دیوان عدالت اداری اتخاذ نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد این موضوع نیاز به واکاوی و پژوهش بیشتری دارد.

آقای دکتر نجابت‌خواه - عدالت اداری و پیش شرط‌های تحقق آن در قانون دیوان عدالت اداری

سلام خدمت حضار گرامی.

رویکرد منفی‌ای که در قانون اساسی ما نسبت به قوه مجریه وجود داشته، هم‌اکنون تغییر کرده است. به نوعی که در حال حاضر صحبت از آن می‌شود که باید مراجع اختصاصی اداری را در قوه مجریه توسعه داد. بنابراین به نظر می‌رسد که در حال نزدیک شدن به مفهوم جدیدی از عدالت اداری هستیم.

ما در زمانی «عدالت اداری» را در مفهوم مضیق تعریف می‌کردیم و آن عبارت بود از اینکه به اعمال اداره نظارت شود تا حقوق شهروندان تضییع نشود. اما امروزه ظاهر در این است که داریم به تعریف موسع‌تری از عدالت اداری نزدیک می‌شویم و آن تعریفی است که در نتیجه‌ی آن می‌خواهیم فرآیند تصمیم‌گیری در اداره را هم ارتقا دهیم. یعنی می‌خواهیم بگویم عدالت اداری، دو کارویژه‌ی عمده دارد. یکی احقاق حقوق مردم و دیگری، نیل به استانداردهای بهتری برای خدمت و مدیریت عمومی.

لذا به نظر می‌رسد اینکه ما می‌پذیریم در دل خود اداره، مراجع اختصاصی اداری توسعه پیدا کنند و این مراجع ابتدائاً به موضوع رسیدگی کنند و دیوان عدالت اداری نیز تنها به عنوان یک مرجع نهایی یا یک مرجع فرجامی ایفای نقش کند به نوعی نشان‌دهنده‌ی تغییر نگاه افراد نسبت به قوه مجریه است.

مسئله‌ای که به طور جدی مطرح است این می‌باشد که آیا اساساً ما باید نهاد دیوان عدالت اداری را در دل قوه‌ی مجریه تشکیل دهیم؛ همچنان که در فرانسه چنین تجربه‌ای وجود دارد (شواری دولتی فرانسه، در بطن قوه‌ی مجریه، اما مستقل از قوه‌ی مجریه است) یا اینکه مثل زمان حال، دیوان عدالت اداری را در بطن قوه قضائیه و زیر نظر رئیس قوه قضائیه قرار دهیم؟

ابتدا بایستی یک بررسی دقیق آماری صورت دهیم و ببینیم که اگر دیوان عدالت اداری یا نهاد متناظر آن در زیرمجموعه‌ی قوه مجریه باشد، چه محاسن و معایبی به همراه دارد و در نقطه‌ی مقابل، اگر در زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه باقی بماند چه محاسن و معایبی می‌تواند داشته باشد؟ در برخی از کشورها، هم ساختار زیر نظر قوه‌ی مجریه وجود دارد و هم ساختار زیر نظر قوه‌ی قضائیه. برای مثال در ۳۱ ایالت مکزیک، برخی ایالت‌ها نهاد دادرسی اداری خود را در زیرمجموعه‌ی قوه‌ی مجریه و برخی دیگر در زیرمجموعه‌ی قوه‌ی قضائیه شکل داده‌اند.

نکته‌ای که به عنوان نتیجه بررسی آماری صورت گرفته در مکزیک در نظر گرفته می‌شود، این است که ما به جهت حرکت کنیم که قضات متخصص را به روی کار بیاوریم. امروزه در دیوان عدالت اداری شاهد تخصصی شدن شعب دیوان عدالت اداری هستیم اما از متخصص شدن قضات خبری نیست. اگر قاضی، متخصص نباشد اینک صرفاً یک شعبه، شعبه شهرداری باشد و دیگری، شعبه کار فرقی نمی‌کند. لازمه این امر همچنانکه آقای دکتر استوارسنگری اشاره فرمودند این است که **آموزش قضات** را قبل از ورود به دیوان مد نظر قرار دهیم.

نکته‌ی دیگری که در آن تجربه آماری مورد توجه قرار گرفته، این است که **آرا بایستی منتشر شود**. اگر آرا منتشر نشود نمی‌توانیم به تضمین عدالت اداری نایل شویم. اگر می‌خواهیم عدالت اداری تضمین شود باید آرا در دسترس مردم و اصحاب نظر قرار داده شود تا مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

نکته‌ی دیگر مربوط به عملکرد آماری است که دکتر استوارسنگری نیز به آن اشاره کردند. این رویکرد باید کنار گذاشته شود و قضات با فراغ بال پرونده‌ها را رسیدگی نموده و مبادرت به انشای رای نمایند.

جمع‌بندی نهایی:

آقای دکتر فلاح‌زاده (دبیر علمی همایش):

بسم الله الرحمن الرحيم.

ابتدا از همه اساتید، قضات و دانشجویان محترم که در این نشست علمی مشارکت نمودند تشکر و قدردانی می‌نمایم. آنچه که از مجموعه بحث‌ها می‌توان برداشت کرد این است که اجماع کلی بر این است که قانون فعلی دیوان نسبت به قوانین سابق، گامی رو به جلوست و نوآوری‌ها و محاسنی نیز در بر دارد؛ اما کاستی‌هایی نیز دارد که نیازمند اصلاح است. این معایب از یک جهت مربوط به صلاحیت دیوان است. در واقع دیوان عدالت باید بر صلاحیت‌های خود تاکید کند و در مقابل نهادهایی که صلاحیت آن را نمی‌پذیرند مقاومت نماید.

در حوزه‌ی شعب و هیات عمومی دیوان پیشنهادهای اصلاحی مطرح شد که عموماً توصیه به توسعه صلاحیت‌های دیوان می‌باشد. محور دیگر، مربوط اجرای احکام بود که در واقع قضات محترم دیوان بر آن تاکید داشتند. ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون فعلی دیوان ساز و کاری را پیش‌بینی کرده که منجر به انباشت پرونده‌ها در اجرای احکام شده است. لذا در این حوزه نیز باید اصلاحاتی صورت گیرد. در خصوص بحث تجدیدنظر به نظر می‌رسد برآیند کلی نظرات این است که اصل تجدیدنظر در دیوان باقی بماند، لیکن رسیدگی به آرای مراجع شبه قضایی در دیوان باید به صورت یک مرحله‌ای باشد و صرفاً در شعب مورد رسیدگی قرار گیرند؛ یعنی دیوان صرفاً مرجع نقض و ابرام باشد (شبه آنچه که در رسیدگی فرجامی دیوان عالی کشور مطرح است). البته این امر منوط به این است که در خصوص مراجع شبه قضایی و آیین رسیدگی آن‌ها قانون مناسبی تصویب بشود.

در حوزه جبران خسارت، دوگانگی که فعلاً در تبصره ماده ۱۰ وجود دارد، به نظر اساتید و قضات باید برطرف شود و وحدت به وجود آید و دیوان به هر دو موضوع (اصل استحقاق یا عدم استحقاق خسارت یا احراز وقوع تخلف و تعیین میزان خسارت) رسیدگی نماید. تعیین مهلت برای اعتراض به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی نیز یکی از پیشنهادها بود که برای کاهش ورودی پرونده‌ها مفید است، اما این پیشنهاد وقتی مفید است که در کنار آن مقامات و مدیران دولتی تابع قواعد حقوقی عام برای تصمیم‌گیری باشند و در تصمیمات خود امکان اعتراض و مهلت آن را به مخاطب ابلاغ نمایند.

توجه دیوان به اصل انتظارات مشروع، توسعه روش‌های بازنگری درونی در ادارات (که باعث کاهش حجم پرونده‌های ورودی دیوان عدالت اداری می‌شود)، توسعه دادرسی منصفانه و ایجاد دادرسی قانونمند در دادگاه‌های اداری، ارائه گزارش‌های نقض قوانین از سوی دستگاه‌های اداری به‌وسیله دیوان عدالت اداری (که شورای دولتی نیز همین کار را در فرانسه انجام می‌دهد)، ایجاد بازوی مشورتی (که در حال حاضر در دیوان عدالت اداری وجود دارد، ولی جنبه رسمی نداشته و می‌بایستی رسمیت قانونی پیدا کند)، تقویت آرای وحدت رویه، ساده کردن آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و افزایش کیفیت آرای وحدت رویه دیوان، مهمترین پیشنهادهایی بود که اساتید و قضات محترم برای اصلاح قانون فعلی دیوان ارائه دادند. مجدداً از همه کسانی که در این همایش ارزشمند مشارکت نمودند تشکر می‌کنم.